

The Study of Carpet Production in Isfahan during Pahlavi I (1304-1320 AH/ 1925-1941 AD)

Sayed-Masoud Sayed-Bonakdar *

Department of History, Faculty of Literature, University of Isfahan, Isfahan, Iran, sm.sbonakdar@ltr.ui.ac.ir

Abstract

The carpet industry in the city of Isfahan has experienced many different ups and downs during its formation, especially after the collapse of the Safavid Dynasty and, after being influenced by the subsequent unrest, the industry was in a downturn. At the end of the Qajar period and after the end of the First World War, due to the economic situation in the country, the problems of Isfahan carpet industry were added. With the beginning of the Reza Shah era, some of these problems were transferred to this period. Using ink color and forgetting the past original designs had endangered the quality and genuineness of the carpet of Isfahan. Along with these issues, livelihood and hygiene problems of carpet weavers still existed. This study is going to use references and historical documents in order to clarify the situation of Isfahan carpet in the first Pahlavi period and also and what the government did to improve and improve Isfahan carpet production. The hypothesis of this research is that due to many problems facing this profession, the actions were inadequate and unproductive. Based on the results of this research, it is clear that despite the measures taken to solve the problems in the production of carpet in Isfahan, these activities were not very fruitful due to the lack of knowledge of the people of this industry and the lack of precise planning and long-term policies. The methodology of this research is descriptive-analytical using library resources and archival documents. In this method, after gathering enough information, the findings are organized and then analyzed.

Keywords: Carpet, Isfahan, Reza Shah, Ink Color

* Corresponding author

فصل‌نامه پژوهش‌های تاریخی (علمی - پژوهشی)
معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان
سال پنجاه و پنجم، دوره جدید، سال یازدهم
شماره اول (پیاپی ۴۱)، بهار ۱۳۹۸، صص ۵۱-۶۳
تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۰۸/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۳۰

بررسی وضعیت تولید قالی در اصفهان دوره رضاشاه (۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ش/۱۹۲۵ تا ۱۹۴۱م)

سیدمسعود سیدبنکدار*

چکیده

صنعت قالی‌بافی شهر اصفهان در دوره‌های مختلف فراز و فرودهای گوناگونی را تجربه کرده است؛ به‌ویژه پس از سقوط دولت صفوی و با تأثیرپذیرفتن از ناآرامی‌های پس از آن، این صنعت در سراسرایی رکود قرار گرفت. در اواخر دوره قاجار و پس از پایان جنگ جهانی اول، به‌واسطه وضعیت اقتصادی کشور، بر مشکلات صنعت فرش اصفهان افزوده شد. با شروع دوره رضاشاه، بخشی از این مشکلات به این دوره منتقل شد. استفاده از رنگ جوهری و فراموش شدن طرح‌های اصیل گذشته، همچنان کیفیت و اصالت فرش اصفهان را در مخاطره انداخته بود. در کنار این مسائل، مشکلات معیشتی و بهداشتی بافندگان فرش نیز پابرجا بود. پژوهش پیش رو به دنبال پاسخ این پرسش است که وضعیت تولید فرش شهر اصفهان در دوره رضاشاه چگونه بود و دولت برای بهبود و ارتقای تولید فرش اصفهان چه اقداماتی انجام داد. فرضیه این پژوهش آن است که با توجه به مشکلات فراوان پیش روی این حرفه، اقدامات صورت گرفته ناکافی و غیراصولی بود. براساس نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش، مشخص می‌شود با وجود اقداماتی که برای رفع مشکلات موجود در وضعیت تولید قالی شهر اصفهان انجام شد، به‌واسطه کم‌اطلاعی دست‌اندرکاران این صنعت و نبود برنامه‌ریزی‌های دقیق و سیاست‌گذاری‌های درازمدت، این فعالیت‌ها چندان ثمربخش نشد؛ در نتیجه، مشکلات همچنان برجای ماند. روش این پژوهش توصیفی تحلیلی است و از منابع کتابخانه‌ای و اسناد و مدارک آرشیوی استفاده شده است. در این روش پس از جمع‌آوری اطلاعات کافی، یافته‌ها سازماندهی و سپس تجزیه و تحلیل می‌شوند.

واژه‌های کلیدی: فرش، اصفهان، رضاشاه، رنگ جوهری

* استادیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات، دانشگاه اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)، sm.sbonakdar@ltr.ui.ac.ir

مقدمه

فرش ایران با طرح‌های بدیع خود، آفریننده ذوق و نمونه فکر ظریف و هنر دست ایرانیان است. در تاریخ ایران، آغاز فرش‌بافی به طور دقیق معلوم نیست؛ ولی با تعریف‌هایی که منابع تاریخی به دست می‌دهند در دوره پیش از اسلام، تبحر ایرانیان در این زمینه به حدی از هنرمندی رسیده بود که در دوره ساسانی فرش نفیسی مانند فرش بهارستان بافته شد. از این فرش گران‌بها که در زمره زیباترین فرش‌های بافته شده در جهان به شمار می‌رود تا به امروز اثری به دست نیامده است. با وجود این، هنر فرش‌بافی در دوره اسلامی نیز در کانون توجه بود و در این دوره، ایرانیان روند گذشته را ادامه دادند و افزودن بر تجربه‌های گذشته خود، برای اعتلای هرچه بیشتر این هنر تلاش کردند.

در دوره اسلامی و به‌ویژه با پایتخت شدن اصفهان در دوره صفویه، این شهر به یکی از کانون‌های اصلی هنر فرش‌بافی ایران تبدیل شد. سابقه این هنر در اصفهان به قرن‌ها پیش از این برمی‌گشت؛ اما چنانکه گفته شد اوج رشد و ترقی این هنر در شهر اصفهان مقارن با دورانی بود که شاه‌عباس اول اصفهان را پایتخت کرد. در این دوره، اصفهان یکی از مراکز مهم قالی‌بافی ایران به شمار می‌رفت. منابع تاریخی و سیاحانی همچون شاردن و تاورنیه، از وجود کارگاه‌های عظیم سلطنتی بافت و تولید منسوجات و فرش خبر می‌دهند. کارگاه‌هایی که در نزدیکی قصرها و بناهای دولتی ایجاد شده بودند و با نظارت مأموران دولتی و بهره‌گیری از استادکاران این هنر و همچنین با استفاده از مواد اولیه باکیفیت، به تهیه و تولید فرش‌های گران‌بها مشغول بودند. بخشی از آثاری که در کارگاه‌های شاهی تولید می‌شد در قصرهای سلطنتی استفاده می‌شد یا به سلاطین کشورهای دیگر

اهدا می‌شد. مازاد آن را نیز تجار برای فروش به بازار عرضه می‌کردند. نتیجه این امر اشتغال گروه عظیمی از افراد در این حرفه بود. چون دستگاه دولتی از این هنر و حرفه حمایت می‌کرد و درآمد مناسبی نیز برای شاغلان این صنف به‌همراه داشت، به‌سرعت زمینه‌های رشد و نمو هنر فرش‌بافی در اصفهان فراهم شد.

ارتباط دستگاه دولتی و هنر فرش‌بافی چنان تأثیرگذار بود که در دوره‌هایی که شهر با فرازونشیب‌های تحولات سیاسی تاریخ ایران روبه‌رو می‌شد این هنر نیز به همان میزان افول و نشیب داشت؛ برای نمونه، با حمله افغان‌ها به اصفهان و سقوط سلسله صفویه، با تأثیر از تحولات سیاسی، صنایع ظریفه و تجارت مرتبط با آن نیز آسیب فراوان دید. در دوره قاجار نیز اصفهان به زوال رفتن هنرهای دستی و حتی فراموش شدن پاره‌ای از صنایع ظریف را شاهد بود. در این دوره، هنر قالی‌بافی نیز مانند سایر هنرها در وضعیت نامطلوبی قرار گرفته بود. ورود رنگ‌های جوهری ارزان‌قیمت و جایگزین شدن آنها به جای رنگ‌های طبیعی یکی از عوامل اساسی تنزل کیفیت فرش ایران در این دوره شده بود. این مشکلات به‌صورت میراثی نامطلوب، به دوره پهلوی اول نیز انتقال یافت.

از خلال اطلاعاتی که اسناد تاریخی در اختیار می‌گذارند، به وضعیت نامطلوب فرش‌های بافته شده در اصفهان این دوره و موقعیت نامناسب معیشتی و بهداشتی کارگران مرتبط با این صنعت پی می‌بریم. پژوهش حاضر به دنبال آن است با بهره‌گیری از منابع و اسناد تاریخی روشن کند در دوره پهلوی اول فرش شهر اصفهان در چه وضعیتی قرار داشت؛ همچنین بررسی کند موانع پیش روی این صنعت چه بود و اقدامات صورت گرفته تا چه میزان به رفع این

مشکلات کمک کرد.

ضرورت و پیشینه پژوهش

با وجود اهمیت دوره شانزده ساله پهلوی اول در تاریخ معاصر ایران و گذر از دوران قاجار به تحولات نوینی که در این دوره رخ داد، تاکنون وضعیت فرش اصفهان در دوره رضاشاه به طور مستقل در منابع بررسی نشده است. بیشتر منابع موجود توجه خود را بر دوره پهلوی دوم و ارائه آمارهایی از وضعیت سالهای ۱۳۲۰ ش/ ۱۹۴۱ م به این طرف گذاشته‌اند و به واکاوی این دوره تأکید می‌کنند. به نظر می‌رسد یکی از عوامل اصلی بررسی نکردن این موضوع در دوره پهلوی اول، کمی اطلاعات موجود در منابع کتابخانه‌ای مرتبط با دوره پهلوی اول است.

کتاب‌هایی نظیر اقتصاد شهر اصفهان نوشته علی کلباسی (۱۳۵۳) و اصفهان از لحاظ اجتماعی و اقتصادی اثر حسن عابدی (۱۳۳۴) در دوره پهلوی دوم نوشته شده و وضعیت هنر و صنعت شهر اصفهان را با ارائه آمارهایی تاحدودی دقیق بررسی کرده‌اند؛ اما به واسطه دسترسی نداشتن به اطلاعات، در زمینه هنر و صنعت شهر اصفهان در دوره پهلوی اول مطلبی ارائه نکرده‌اند.

خاطرات محمد صیرفیان «نقد عمر» (۱۳۹۳) منبع دیگری است که در نگاه نخست به نظر می‌رسد درباره وضعیت فرش اصفهان اطلاعات درخور توجهی در اختیار می‌گذارد. بیان‌کننده این خاطرات که متولد ۱۳۰۰ ش/ ۱۹۲۱ م است و خود و پدرش در صنعت فرش اصفهان سابقه‌ای طولانی داشته‌اند، از وضعیت تجاری فرش اصفهان در این دوره‌ها مطالبی آورده است؛ اما به واسطه آنکه در بیشتر مواقع از حوادث موضوع گفت‌وگو تاریخ دقیقی ارائه نمی‌کند امکان استفاده از روایت‌ها را مشکل می‌کند. با این همه و با استفاده از شواهد موجود، در مقدمه پژوهش

و در مطالب مربوط به دوره پهلوی اول از مطالب کتاب استفاده شد. با عنایت به آنچه ذکر شد، برای نگارش پژوهش حاضر، کتاب «اسنادی از صنعت فرش ایران» و اسناد موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران منابع اصلی بوده است.

وضعیت فرش اصفهان در دوره پهلوی اول

پس از سقوط دولت صفویه و طی ناآرامی‌های پس از آن تولید قالی اصفهان دچار رکود شد. تا اواخر دوره قاجار این روند همچنان برقرار بود. پس از جنگ جهانی اول اقتصاد اروپا رونق تازه‌ای گرفت و به دنبال آن، تقاضا برای قالی ایرانی افزایش یافت. این تقاضا باعث تشویق بازرگانان اصفهانی در احیای صنعت قالی‌بافی اصفهان و سرمایه‌گذاری در این بخش شد (بلانت، ۱۳۸۴: ۱۹۸).

ابتدا قالیچه‌های ریزباف پُرز کوتاه با استفاده از نقشه‌های سنتی اصفهان بافته می‌شد؛ اما مصالح و رنگ‌هایی که در بافت قالیچه‌ها استفاده می‌شد آنچنان مرغوب نبود. علت این امر نیز آن بود که صاحبان کارخانه‌ها و سرمایه‌گذاران صنعت قالی‌بافی در ظاهر برای تشویق صادرات فرش و درواقع برای فروش هرچه بیشتر و به دست آوردن سود افزون‌تر، قالی‌بافان را به بافت فرش‌هایی تشویق می‌کردند که بسیاری از اصولی که در فرش‌های اصیل اصفهان رعایت می‌شد در آنها در نظر گرفته نمی‌شد. این بی‌توجهی و در نظر نگرفتن اصول فرش‌بافی با هدف افزایش سرعت بافت فرش‌ها انجام می‌شد (آذریاد، ۱۳۷۲: ۱۷). در پیش گرفتن چنین رویه‌ای، در درازمدت به اعتبار و شهرت قالی‌های اصفهان لطمه‌های جبران‌ناپذیری وارد آورد. استفاده نکردن از رنگ‌های طبیعی و جایگزین کردن آن با رنگ‌های جوهری یکی از اصولی بود که در این قالی‌های

تازه‌بافته شده رعایت نمی‌شد.

تجربه طولانی مدت ایرانیان در تولید رنگ‌های طبیعی و به عمل آوردن پشم‌ها با این‌گونه رنگ‌ها، باعث پدید آمدن فرش‌هایی شده بود که به واسطه رنگ‌های درخشان و بادوام خود، شهرتی جهانی به دست آورده بودند؛ اما جایگزین کردن رنگ‌های جوهری، به علت ارزان‌قیمت بودن و سریع تهیه شدن آنها، باعث شد در این دوره فرش ایرانی کیفیت ابتدایی و چشمگیر خود را از دست دهد (صیرفیان، بی‌تا: ۶۷، ۴۹). این فرش‌ها درخشندگی پایدار و کیفیت فرش‌های گذشته را نداشت و پس از گذشت زمانی کوتاه، رنگ این فرش‌ها تغییر می‌کرد.

رنگ جوهری از سال ۱۲۸۷ق/۱۸۷۰م وارد ایران شد. باتوجه به مضراتی که در استفاده از این رنگ‌ها وجود داشت، در سال ۱۳۰۰ق/۱۸۸۲م، دولت ورود آنها را تحریم کرد. در سال ۱۳۰۳ق/۱۸۸۵م، دولت حتی ورود و استفاده از نخ‌های رنگ‌شده با جوهر را نیز ممنوع کرد. با وجود این، دولت موفق نشد جلوی قاچاق این رنگ‌ها را بگیرد و در خلال این دوره و حتی پس از آن کماکان فرش‌هایی با رنگ جوهری بافته می‌شدند (عیسوی، ۱۳۶۲: ۴۷۱).

در اواخر دوره قاجار، برای رفع مشکلاتی که به واسطه استفاده از رنگ‌های جوهری در کیفیت فرش ایران ایجاد شده بود، اقداماتی انجام شد. در سال ۱۳۳۳ق/۱۹۱۴م، هیئت دولت در زمینه منع ورود رنگ‌های جوهری و نخ‌های جوهری و خروج قالی‌هایی که به رنگ غیرثابت بافته شده باشد مصوباتی تصویب کرد؛ البته چون این اقدامات بدون برنامه‌ریزی‌های دقیق و درازمدت انجام می‌گرفت نتیجه چندان مطلوبی به همراه نداشت و دولت مجبور شد برای رفع نگرانی تجار فرش و اعتراض‌های آنها در قوانین خود تجدیدنظر کند (اسنادی از صنعت

فرش ایران، ۱۳۸۱: ۱/۱۳ تا ۱۶، ۳۵).

نظیر این اقدامات در شهر اصفهان نیز انجام شد؛ برای مثال در سال ۱۳۳۲ق/۱۹۱۳م، اداره مالیه اصفهان برای مبارزه با رنگ‌های جوهری تلاش‌هایی انجام داد. در این اقدام شتاب‌زده و بدون برنامه، رنگ‌های جوهری مردم را می‌گرفتند و می‌سوزاندند و معادل قیمت آن جریمه دریافت می‌کردند (اسنادی از صنعت فرش ایران، ۱۳۸۱: ۵/۱).

بسیاری از مشکلاتی که در صنعت فرش اصفهان دوره قاجار وجود داشت به دوره پهلوی اول نیز منتقل شد؛ برای نمونه، با وجود اقداماتی که در دوره قاجار برای مقابله با مصرف رنگ‌های جوهری صورت گرفته بود در دوره پهلوی اول هم مشکل استفاده از رنگ‌های جوهری و به دنبال آن، تنزل کیفیت فرش‌ها یکی از مشکلات اساسی قالی اصفهان بود؛ به طوری که در این دوره، استمرار درازمدت بافندگان فرش اصفهان در استفاده از رنگ‌های جوهری باعث از دست رفتن اعتبار فرش اصفهان و از دست دادن طیف وسیعی از مشتریان داخلی و خارجی آن می‌شد. نگرانی مشتریان درباره استفاده از رنگ جوهری در بافت قالی موجب شده بود به خریداران توصیه کنند «شرط اصلی احتیاط آن خواهد بود که خریدار با دستمال تر رنگ فرش را امتحان کند» (کرزن، ۱۳۸۰: ۲/۶۲۴).

در این دوره، حکومت اصفهان تلاش کرد با شناسایی رنگ‌رزان شهر و گرفتن تعهدنامه از آنان مشکل استفاده از رنگ‌های جوهری را با در فشار گذاشتن رنگ‌رزان برطرف کند. در سال ۱۳۰۹ش/۱۹۳۰م اداره حکومتی اصفهان از رنگ‌رزه‌های اصفهان تعهد گرفت برای رنگ کردن از رنگ طبیعی استفاده کنند و از رنگ‌های مصنوعی و پشم‌های بور و سیاه اجتناب کنند. در این تعهدنامه که بسیاری از رنگ‌رزه‌های اصفهان آن را مهر و امضا کرده بودند بیان

(۱۰۰۰۲۸۹۸).

با هدف شناسایی و حل مشکلات صنعت فرش اصفهان و به دست آوردن آماری دقیق از وضعیت فرش شهر، در همان سال، اداره حکومتی اصفهان آماری نیز درباره افراد شاغل در دیگر اصناف مرتبط با صنعت فرش مثل چله‌کش‌ها و نقاشان معروف نقشه‌های قالی تهیه کرد. براساس آمار به‌دست‌آمده افرادی مانند مهدی صانعی، میرزاآقا امامی، استاد هاشم، دشتیان، سیدباقر حاجی‌مدین‌مصور، سیدکریم، میرزامحمود، میرزااعلی‌الرضا، میرزا عبدالله، آقامیرزا حسین رسم، میرزامحمدعلی، استاد میرزا، حسین خطائی، استاد کرمانی و میرزا حسین شیشه از نقاشان شناخته‌شده در تهیه نقشه قالی در این دوره بودند.

در صنف چله‌کش‌ها هم افرادی همچون میرزا جواد چرمی، میرزا صراف، رضا کاراج، حسین حاجی‌کاظم، استاد باقر گچ‌کار، حسین یدالله کدخدای، حسین کلوبند، جعفر دردشت، سیدمهدی کاراجی، حسین خان کاشی و پهلوان کریم از افراد صاحب‌نام در این حرفه به شمار می‌آمدند.

صورت اسامی صاحبان کارخانه‌ها و دستگاه‌های قالی‌بافی شهر اصفهان در سال ۱۳۰۹ ش/ ۱۹۳۰ م نیز جالب توجه است. افرادی همچون قوام‌التجار، کارخانه سرداراعظم، محمدابراهیم دهکردی، حاجی میرزامهدی صراف، میرزا باقرخان انصاری، حاجی علیرضا فرشچی، مهدی‌خان حقیقی، میرزا عبدالله نقاش، آقا قوام و اصغر چهارسوقی، سلطان لطف‌الله‌خان، استاد عبدالخالق، سیدجواد نیلفروش، حاجی محمدعلی روغنی، استاد رمضان، میرزا ابوالقاسم مسجدشاهی، استاد یدالله کدخدای، میرزا رضا نقاش اسلامی، از خاندان علاقه‌بند حاجی رحیم، غلامعلی‌خان و حاجی حیدر، آقا حسین و کاظم

شده بود: «اینجانبان رنگرزی‌های اصفهان [ناخوانا] ملتزم و متعهد می‌شویم که از این تاریخ به بعد رنگ‌های نباتی طبیعی و نیل علفی استعمال نموده و به هیچ وجه رنگ غیرثابت استعمال ننماییم و چنانچه تخلف نمودیم بر طبق قوانین و مقررات کمیسیون از عهده جریمه برآییم» (ساکما، ۱۴۹۷/۲۹۱۰۰).

علاوه بر این تعهدنامه، اداره حکومتی اصفهان پرسش‌نامه‌هایی تهیه کرد. هدف از این پرسش‌نامه شناسایی مشکلات و به دست آوردن اطلاعات رنگرزی‌های شهر بود که کارشان با مشکلات صنعت فرش ارتباط مستقیمی داشت. در این پرسش‌نامه‌ها از اسم و محل کارگاه، تعداد کارگران، عده خم، عده پاتیل، نوع نیل مصرفی و کاربرد آن پرسش می‌شد. در ادامه خواسته شده بود نمونه کوچکی از پشم‌هایی را که به رنگ‌های مختلف رنگ می‌کنند ضمیمه کنند و بیان کنند هر یک من پشم را به چه مبلغ رنگ می‌کنند (ساکما، ۱۰۰۰۲۸۹۸). متأسفانه از نمونه‌های پُرشده این برگه‌ها اطلاعی در دست نیست؛ با وجود این، در اسناد اسامی تعدادی از صباغ‌های شهر و محل کارگاه‌های آنها به شرح زیر قید شده است:

استاد جواد بازار رنگرزی‌ها، ابوالقاسم بیدآباد، حیدرعلی دروازه نو، حسین آقا علی‌اکبر بازار، استاد باقر بازار رنگرزی‌ها، عبدالعلی جعفر باب‌الدشت کوچه‌باغ، مهدی عبدالحسین ریس‌مان‌کارزاده باب‌الدشت کوچه‌باغ، آقامیرزامهدی قلمکاریان دروازه نو، مهدی محمد تبریزی مسجدجامع، استاد حسین ریس‌مان‌کارزاده باب‌الدشت میدان قدیم، مهدی صفرعلی انصاری کوچه نمکی میدان قدیم، میرزا عبدالوهاب ریس‌مان‌کار چلمان، اسدالله ترکانی باغچه عباسی هارون ولات. از نظر مکانی، در آن دوره تجمع صباغ‌های اصفهان در اطراف میدان کهنه، باب‌الدشت، دروازه نو و چهارسوق بوده است (ساکما،

محمدجعفر کازرونی از تجار و ملاکان این دوره در میان این اسامی به چشم می‌خورد. به نظر می‌رسد رونق نسبی صنعت قالی‌بافی در این ایام باعث شده بود بخش درخور توجهی از سرمایه‌داران شهر به این صنعت روی آورند.

جدا از اطلاعاتی که از احصائیه به دست می‌آید که حکومت اصفهان در سال ۱۳۰۹ش/۱۹۳۰م درباره وضعیت شهر اصفهان تهیه کرده بود، بنا به درخواست پایتخت، حکومت اصفهان در چند دوره دیگر نیز به جمع‌آوری اطلاعاتی درباره وضعیت فرش شهر اقدام کرد.

اکنون اطلاعات سه دوره از این احصائیه‌ها وجود دارد که در سال‌های ۱۳۰۹، ۱۳۱۰ و ۱۳۱۲ش/۱۹۳۰، ۱۹۳۱ و ۱۹۳۳م انجام شده است. در این اسناد، اطلاعات ارزشمند دیگری درباره وضعیت فرش اصفهان در دوره پهلوی اول ارائه می‌شود که در سایر منابع کتابخانه‌ای به آن اشاره‌ای نشده است.

یکی دیگر از احصائیه‌هایی که حکومت اصفهان از صاحبان کارخانه‌های قالی‌بافی اصفهان انجام داد به سال ۱۳۱۰ش/۱۹۳۱م مربوط است. در این پرسش‌نامه، پاسخ‌دهنده نخست می‌بایست اطلاعات خود را می‌نوشت که شامل اسم قالی‌باف و صاحب کارخانه، آدرس کارخانه و مدت‌زمان کار افراد در طول روز بود. در ادامه این پرسش‌نامه، پرسش‌هایی همچون نمونه‌های مندرج در جدول زیر از قالی‌باف یا صاحب کارخانه پرسیده می‌شد.

خواج‌و، مدیر کارخانه موسسیر رام‌ور، حاجی میرزا ابوالقاسم و حاجی میرزا محمدعلی کرباسی، میرزا فضل‌الله فرشچی، حاجی آقا احمد عجمی، میرزا حسن بزاز، استاد ابراهیم حمامی، محمدجعفر کازرونی، هارون کلیمی، حسین قلی‌خان، آقامیرزا امامی، استاد اسلیمی، مادر وطن، میرزا عبدالباقی کاشی، استاد حبیب‌الله نادری، میرزا رضا زاهدی، حاجی میرزا باقر شماعی، یدالله‌خان، میرزا عبدالله قالی‌باف، اخوان اخوت، از خاندان بانکی میرزا آقا صراف، میرزا بزرگ، میرزا علی‌اکبر و میرزا اسماعیل، آقا حسین اُرسی دوز، میرزا اسماعیل سراج، حاجی میرزا سلیمان، عبدالمولی، آقارحیم و حاجی میرزا علی بزاز، مدیر کارخانه حاجی میرزا احمدخان و حاجی میرزا حسین‌خان فاطمی، سیدمهدی و سیدحسین خواجویی، حاجی غفور، میرزا عبدالحسین حکیم، علی قهقرخی، میرزا محمود رفوگر، عبدالعلی ارباب، هادی خوانساری، عباس علی کفاشی، استاد سیف‌الله کفاشی، میرزا حسن خباز، میرزا حسن خیاط، سیف‌الله خیاط خواجو و عبدالصمد اُتبنانی از فعالان عرصه تولید قالی در این دوره بودند (ساکما، ۱۰۰۰۲۸۹۸).

با مطالعه و بررسی صورت اسامی صاحبان کارخانه‌ها و دستگاه‌های قالی‌بافی شهر اصفهان مشخص می‌شود در این دوره، افرادی با مشاغل و پیشه‌های گوناگونی به عرصه تولید قالی روی آورده بودند؛ برای نمونه، از هنرمند شهیری همچون آقامیرزا امامی گرفته تا سردار اعظم از خاندان قاجاریه و

۱	دستگاه	عده و اندازه دستگاه‌ها که براساس مقیاس گز قانونی برابر با یک متر بود. نوع دستگاه‌ها ترکی، کرمانی، کاشی، زمینی.
۲	چله	نوع چله نخی، پشمی، ابریشمی.
۳	بافندگان	مشخصات استادان و کارگران براساس جنسیت، سن، میزان اجرت، شرایط مقاطعه‌کاری.
۴	پشم و ابریشم	نوع پشم و ابریشم مصرفی و قیمت خرید و مقدار مصرف سالیانه هر دو براساس میزان وزن من.
۵	رنگرزی	مقدار پشم رنگ‌شده در سال، محل رنگ‌کردن پشم‌ها، مقدار رنگ طبیعی و رنگ مصنوعی.
۶	میزان فروش	میزان تخمین فروش فرش اعلی، متوسط و پست براساس گز و قران.

بیشتر پاسخ‌دهندگان فرم را خالی گذاشته‌اند. تنها دو نفر از دوازده نفر پاسخ‌دهنده به این پرسش پاسخ روشن داده بودند؛ یکی ساعت‌های کار را از ۸ تا ۱۰ ساعت بیان کرده و دیگری ساعت‌های کار را در نه ماه بهار ده ساعت و در سه ماه زمستان هشت ساعت بیان کرده بود و بعضی هم نوشته بودند معلوم نیست.

۴. براساس پاسخ‌های داده‌شده، دستگاه‌های کاشی بیشترین نوع دستگاه‌ها، بود. گاه به طور محدود به دستگاه نوع کرمانی و زمینی نیز اشاره کرده بودند. چله فرش‌ها نیز در بیشتر مواقع چله نخ‌ی بوده است. به تعداد مختصری چله ابریشمی و پشمی هم اشاره کرده بودند. اندازه دستگاه‌ها که براساس گز قانونی بیان شده بود بسیار متفاوت بودند. این اندازه‌ها عبارت بودند از: ۶×۴ ، ۶×۱۰ ، $۴/۱۶ \times ۶/۲۴$ ، ۴×۳ ، $۳/۵ \times ۵$ ، $۳/۱۲ \times ۴/۱۶$ ، $۱/۴۵ \times ۲/۲$ ، ۱۸×۳ ، $۱/۴۲ \times ۲/۱۴۲$ ، $۱ \times ۲۰ \times ۱/۴۵$.

۵. نوع پشمی که کارخانه‌های مذکور استفاده می‌کردند خامه کارخانه وطن و کارخانه قزوینی، پشم‌های سدهی و حسین‌آبادی و پشم‌های دست‌ریس یزد، خراسان، اصفهان، کرمان و بختیاری بود. قیمت پشم‌ها براساس من شاه احتساب شده بود. پشم کارخانه وطن از ۴۰ تا ۱۲۰ قران، پشم سدهی و حسین‌آبادی از ۲۵ تا ۳۵، پشم قزوینی ۳۵ تا ۵۵، پشم منچستری ۹۰ قران و پشم ماشینی سفید از نمره ۱۲ تا ۴۰ از ۴۰ تا ۶۵ قران قیمت داشت. در مجموع، تمام اطلاعات داده‌شده پاسخ‌دهندگان درباره قیمت پشم‌ها بسیار ضدونقیض و ناقص ثبت شده است. براساس این داده‌ها، بهترین کیفیت پشم به تولیدات کارخانه وطن تعلق داشته است.

۶. قیمت تقریبی قالی متوسط ذرع ۱۰ تومان و قالی اعلی ۴۵ تومان قیمت‌گذاری شده بود.

در پایان این پرسش‌ها از تمام قالی‌بافان و صاحبان کارخانه‌ها خواسته شده بود در صورت تنزل فروش، علت‌های آن را بیان کنند. از میان دوازده برگ پرسش‌نامه موجود در پرونده، اطلاعات پرسش‌شده به صورت‌های مختلفی تکمیل شده است. قالی‌بافان برخی از برگه‌ها را به واسطه کم‌سوادگی یا حتی ترس از دادن اطلاعات صحیح و کامل با بی‌دقتی و آشفتگی بسیار تکمیل کرده‌اند و بخشی دیگر بادقت و توجه بیشتری کامل شده است. از این رو، برخی از پرسش‌ها در قسمت‌های مربوط بی‌جواب گذاشته شده است؛ برای مثال، در راستای تعیین میزان جنسیت کارگران و استادان، باتوجه به اینکه تمام تکمیل‌کنندگان برگه‌ها جنسیت بافندگان قالی‌ها را مشخص نکرده بودند، دادن ترکیب جنسیتی آن مشکل شد.

با در نظر گرفتن محدودیت‌های مذکور، از بررسی برگه‌های موجود اطلاعات زیر به دست می‌آید:

۱. با احتساب برگه‌های ده کارخانه تعداد استادان، زن و مرد، ۲۵۸ نفر بود؛ یعنی هر کارگاه به طور متوسط ۲۶ استاد با دامنه سنی ۴۰ تا ۸۰ سال در زنان و ۴۰ تا ۸۰ سال در مردان داشته است. تعداد کارگران در نه کارخانه ۵۸۰ کارگر، زن و مرد، بود که به طور متوسط ۶۴ نفر کارگر را با دامنه سنی ۳۰ تا ۶۰ سال شامل می‌شده است.

۲. در زمینه میزان مزد کارگران معیار براساس رگ مزدی (هزار خفتی) بود. متوسط حقوق پرداختی به کارگران برای هر رگ (هزار خفت) ۱۷۵ دینار بود که از دست کم ۱۲۵ دینار تا نهایت ۳۰۰ دینار برای هر رگ در نوسان بوده است. برای هر ذرع نیز ۱۰ تومان پرداخت می‌شد.

۳. در پاسخ به پرسش مدت کار کارگران در روز

در پایان این برگه‌ها از صاحب کارخانه خواسته شده بود در صورت تنزل فروش علت‌های آن را بیان کنند. پاسخ‌دهندگان علت‌های متفاوتی را بیان کرده بودند که محورهای اصلی آن به این صورت است:

۱. افزایش فرش‌های معیوب به واسطه دستگاه‌های اشخاص غیرمربوط؛
۲. مصرف کردن پشم‌های متفرقه، بور و بی‌کیفیت و رنگ‌های مصنوعی و غیرثابت جوهری؛
۳. مطابق نبودن فرش‌ها از نظر لطافت و الگو با سلیقه اروپایی‌ها؛
۴. ورود اشخاص بدون اطلاع در امر قالی‌بافی.

یکی از صاحبان کارخانه‌ها بارندی در پاسخ به این پرسش نوشته بود از برکت بازار (ساکما، ۱۰۰۰۲۸۹۸). اطلاعات ذکر شده نشان می‌دهد برای حمایت از بافندگان صنعت فرش، تا این زمان قوانین مشخصی تعریف نشده بود؛ زیرا نه سن مشخصی برای استخدام این کارگران در نظر گرفته شده بود و نه ساعت‌های کار آنها بازه زمانی مشخصی داشت.

در گزارش دیگری در همان، سال ۱۳۱۰ش/۱۹۳۱م، حکومت اصفهان به صورت کلی‌تر وضعیت قالی‌بافی شهر اصفهان و توابع آن را به وزارت دربار پهلوی شرح داد. در این گزارش آمده بود در شهر اصفهان و بلوکات و توابع آن نزدیک به هشت هزار دستگاه قالی‌بافی دایر است که از آن تعداد حدود چهار هزار دستگاه در خود شهر اصفهان و حومه آن قرار دارد. در گزارش تصریح شده بود: «موضوع قالی‌بافی خیلی مهم است و روزبه‌روز در توسعه و تزايد است و از حیث رنگ و بافت قالی در شهر اصفهان غالباً دقت دارند که تهیه فرش‌های خوب و نقشه‌های عبایی و غیره نمایند. هم

تشویقاتی برای پیشرفت این صنعت لازم است و هم در قسمت رنگ و جلوگیری از رنگ‌های غیرثابت و وادار نمودن صاحبان کارخانجات قالی به تهیه پشم سفید نهایت لزوم را دارد. از چیزی به این طرف کمیسیون قالی در اصفهان بر طبق نظام‌نامه ارسالی از وزارت جلیله اقتصاد ملی تشکیل و هفته‌ای یک روز در اداره حکومتی منعقد می‌شود و نظر به اینکه یک دستورات جامع و قطعی در این باب نرسیده تا حدود امکان اقدامات کوچکی جهت جلوگیری از رنگ‌های غیرثابت به عمل آمده است؛ ولی کمیسیونی که دستور قطعی و نظام‌نامه مرتب و اساس معین ندارد، پیشرفت‌های مهمی نخواهد کرد» (گزارش‌های ایالات و ولایات، ۱۳۸۳: ۲۳۲ و ۲۳۳).

آن چنان که انتظار می‌رفت صاحبان کارخانه‌ها با اقدامات کمیسیون همراه نمی‌کردند؛ به طوری که از دعوت‌های اداره حکومتی استقبال نمی‌کردند. این دعوت‌ها برای شرکت در جلسه‌هایی بود که برای اصلاح مشکلات قالی تشکیل می‌شد. مأمور حکومتی در گزارش خود درباره این موضوع می‌نویسد: «مکرر اطلاع داده و آقایان حاضر نشده‌اند در صورتی که مقصودی سوای اصلاح امر قالی در نتیجه آن عاید آقایان می‌شود نیست و شایسته نیست که به وسیله مأمورین نظمیۀ اخطار شود» (ساکما، ۱۰۰۰۲۸۹۸).

اداره حکومتی در گزارش به وزارت دربار مشکل عمده‌تر در ساماندهی وضع آشفته قالی را این می‌دانست که تعداد فراوانی از دستگاه‌های قالی در خانواده افراد فقیر و بی‌بضاعت دایر بود؛ چون آنها با سلیقه خودشان قالی‌ها را می‌بافتند و به علت بی‌اطلاعی از رنگ و پشم و رنگ‌آمیزی و بافندگی و انتخاب نقشه، طرحی می‌بافتند که خریدار و مشتری کمتر می‌پسندیدند. گزارش اضافه می‌کرد: «چنانچه

فرش ایران، ۱۳۸۱: ۱/۱۳ تا ۱۶، ۳۳؛ اما به نظر می‌رسد پیشنهادهای مزبور حالت قانونی به خود نگرفت تا اینکه گویا در سال ۱۳۰۷ ش/ ۱۹۲۸ م، وزارت داخله در زمینه اوضاع بهداشتی کارخانه‌های قالی‌بافی نظام‌نامه‌ای تهیه کرد. در این نظام‌نامه وضعیت بهداشتی لازم بیان شده بود که می‌بایست برای کارخانه‌های قالی‌بافی و کارگران آنها رعایت می‌شد (اسنادی از صنعت فرش ایران، ۱۳۸۱: ۱/۸۶ و ۸۵) با وجود این چنانکه از فحوای گزارش ۱۳۱۰ ش/ ۱۹۳۱ م حکومت اصفهان برمی‌آید کارخانه‌ها و کارگاه‌های قالی‌بافی و کارگران آنها به لحاظ بهداشتی همچنان مشکلات بسیاری داشتند. در این گزارش آمده بود: «ساختمان کارخانه‌های قالی (آنهایی که صاحب چندین دستگاه قالی هستند) بی‌تناسب و در اتاق‌ها و دکه‌های مرطوبی معمولی چندین دستگاه برپا نموده، خانواده‌های فقیر هم در همان اتاقی که منزل و مسکن دارند و زندگانی می‌کنند، یک یا دو دستگاه برپا می‌نمایند. موضوع کارگران قالی‌بافی که عبارت از یک عده دختر و پسرهای کوچک می‌باشند از حیث سن بی‌تناسب است که باید در این باب هم عطف توجه و اقدامی شود» (گزارش‌های ایالات و ولایات، ۱۳۸۳: ۲۳۳).

براساس اسناد موجود، در سال‌های بعد نیز برای ارتقای سطح بهداشتی این کارگاه‌ها اقداماتی صورت گرفت؛ برای نمونه در سال ۱۳۱۹ ش/ ۱۹۴۰ م، بخش‌نامه‌هایی درباره اصلاح ساختمان و رعایت اصول بهداشتی در کارگاه‌های قالی‌بافی صادر شد (ساکما، ۲۹۱۰۰۱۴۴۷).

در سال ۱۳۱۲ ش/ ۱۹۳۳ م نیز اداره سیاسی وزارت داخله استعلامی داد و از حکومت اصفهان خواست درباره وضعیت قالی‌بافی شهر گزارشی به اداره کل صنعت و فلاحت بفرستد. این پرسش‌نامه

دوثلث عمده دستگاه‌های مزبور در این قبیل خانه‌هاست و تفتیش و جلوگیری از عملیات سویی که سخته به این صنعت مهم وارد می‌آورد دچار اشکال شده و محتاج مطالعه اهل اطلاع و رفع نواقص و اصلاحات اساسی است. طرز دار قالی و کشیدن به دستگاه در شهر و بلوکات مختلف است. در بعضی نقاط شهر و بلوکات دستگاه قالی دیواری، در قسمتی ایلیاتی و روی زمین بافته می‌شود» (گزارش‌های ایالات و ولایات، ۱۳۸۳: ۲۳۳).

وضعیت کارگاه‌های قالی‌بافی و رعایت نکردن مسئله بهداشت در آنها نیز یکی از مشکلات اساسی این صنعت بود. در این کارگاه‌ها اطفال در اتاق‌های نیمه‌تاریک و نمناک بدون داشتن نور و تهویه مناسب، به رفوکردن و بافتن قالی مشغول می‌شدند و در بیشتر مواقع در این محیط‌ها به بیماری سل دچار می‌شدند. کنتس مادفون (Rosen, Maud Von)، سیاح اروپایی، درباره دیدار خود از این کارگاه‌ها در اصفهان در سفرنامه‌اش نوشت: «فقر مانع از آن می‌شود که این بچه‌ها رنگ آفتاب را ببینند. آنها هرگز به عمر خود در فضای باز، بازی نمی‌کنند. رخسار آنها زرد و پاهای آنها به قدری لاغر است که به‌سختی می‌تواند هیکل نحیف آنها را سرپا نگهدارد. پدر و مادر و برادرهای بزرگ‌تر و قوی‌تر آنها معمولاً آنها را به محل کار و بالعکس روی شانه خود حمل می‌کنند. تنها انگشتان این موجودات کوچولو خوب کار می‌کند و برای قالی‌بافی همین کافی است» (روزن، ۱۳۶۹: ۲۹۱؛ اشراقی، ۱۳۸۳: ۶۵۳).

به دنبال شکایتی که اداره بین‌المللی مشاغل کرد در اواخر دوره قاجار، وزارت فلاحت و تجارت و فواید عامه در زمینه بهداشتی کردن مراکز قالی‌بافی در کشور پیشنهادهایی ارائه کرد (اسنادی از صنعت

اقدامات دولت برای ارتقاء صنعت فرش اصفهان

بسیاری از مشکلات صنعت قالی به‌واسطه بی‌اطلاعی و کم‌تجربگی افراد شاغل در این حرفه بود؛ بنابراین در کنار تهیه آمار اطلاعات مربوط به وضعیت فرش اصفهان تلاش شد با توجه بیشتر به هنر مربوط به صنعت فرش و حمایت از هنرمندان آن، در راستای افزایش کیفیت فرش اصفهان گامی برداشته شود. به این منظور میان هنرآموزان و هنرمندان مسابقه‌هایی برگزار شد که هدف آن ترقی هنر و شناخت بیشتر هنرمندان برجسته بود (ساکما، ۲۰۸۸/۲۹۱۰؛ برای نمونه در سال ۱۳۰۹ش/۱۹۳۰م، با هدف احیای طرح‌های قدیمی قالی و شناخت قالی‌بافان ماهر، مسابقه‌ای برپا شد (ساکما، ۲۳۶۲/۲۹۱۰). از طرف دیگر، در راستای ارائه طرح‌ها و نقشه‌ای نو برای استفاده در بافت قالی‌هایی که پهلوی اول در نظر داشت برای کاخ‌های خود سفارش دهد از برخی هنرمندان اصفهانی استفاده شد. نمونه آن طرح قالی بسیار بزرگی بود که احمد ارچنگ، استاد شهیر نقشه‌کشی اصفهان، بی‌درنگ بانهایت دقت در تهران رسم کرد (صیرفیان، ۱۳۹۳: ۲۵۸).

رکود ایجادشده در هنر و صنایع‌دستی اصفهان نیازمند آن بود که برای رفع مشکلات مذکور اقدامی جدی و سریع صورت گیرد. از جمله این اقدامات آموزش صنایع‌دستی در مدارس بود (ساکما، ۲۹۷۰/۴۱۰۴۲)؛ همچنین در سال ۱۳۱۵ش/۱۹۲۶م، هنرستان هنرهای زیبا با هدف تربیت جوانان در حرفه‌های هنری و حمایت از صنایع‌دستی تأسیس شد. این دبیرستان با دو رشته فلزکاری و درودگری شروع به کار کرد. سرپرستی آن با معلمی آلمانی به نام ویلهلم بایر (Wilhelm Bayer) بود. شعبه فلزکاری را باقر زمانی و شعبه درودگری را هادی اشتری اداره می‌کرد (شفقی، ۱۳۸۵: ۱۴۷۱).

هم دربردارنده پرسش‌هایی نظیر تعداد دستگاه‌های قالی و قالیچه‌بافی در نقاط مختلف، میزان تقریبی محصول آنها به گز مربع، حد وسط قیمت قالی و قالیچه و نوع بافت و همچنین تعداد کارگران قالی‌باف زن و مرد بود. در پاسخ به این پرسش‌ها، رئیس اتاق تجارت اصفهان تعداد کل دستگاه‌های کوچک و بزرگ در اصفهان و حوالی تا ۳/۲ فرسخی (معادل ۱۵/۱۰ کیلومتر) شهر را ۲۵۰۰ دستگاه برآورد کرد. هر دستگاه ۹ مضروب در سال ۲۲ هزار و ۵۰۰ ذرع محصول تقریبی داشت. عده کارگران هر دستگاه در کل پنج نفر شمارش شده بود. تعداد افرادی که به طور مستقیم عملیات مربوط به این رشته از قبیل صباغی، چله‌زنی، ریسمان‌تابی و غیره را انجام می‌دادند به صورت تخمینی هفت‌هزار نفر برآورد شده بود. از این تعداد کارگر به طور تقریبی نصف زن و نصف مرد بودند. در سال ۱۳۱۱ش/۱۹۳۲م، قیمت عمده تقریبی فرش‌ها از ذرعی ۱۲ تا ۲۰ تومان بود. تعدادی نیز ذرعی ۱۰ تا ۳۰ تومان هم به مصرف می‌رسید. قالیچه دو ذرعی تجارتی هر فرد ۳۵ تا ۵۰ تومان به فروش می‌رسید. در این سال‌ها نیز نوع پشم مصرفی مانند گذشته خامه کارخانه وطن، خامه کارخانه قزوین و تبریز و خامه دستی یزد بود (اسنادی از صنعت فرش ایران، ۱۳۸۱: ۱/۱۹۳ تا ۱۹۵).

ویلفرد بلانت (Blunt, Wilfrid) وضعیت فرش اصفهان در سال ۱۳۱۴ش/۱۹۳۵م را این‌گونه توصیف کرد: «از سال ۱۹۳۵ حدود ۲۰۰۰ دستگاه در شهر و ۵۰۰ دستگاه دیگر در حومه موجود بود. طرح‌ها در کل خوب بود؛ اما رنگرزی و خواب فرش در سطح بسیار نازلی قرار داشت. خریداران آمریکایی ضخامت قالیچه‌ها را نازک دیدند و تقاضای خرید آنها بیشتر از اروپا می‌آمد» (بلانت، ۱۳۸۴: ۱۹۸).

به فکر تقلب در آنها افتادند. به مدت چند سال، در قالی‌های اصفهان رنگ‌های بسیار کم‌ثبات و پشم‌های غیر مرغوب بسیار دیده می‌شد؛ در نتیجه، به تجارت و شهرت فرش اصفهان که روزگاری جزو بهترین قالی‌های ایران بود آسیب وارد شد (ورزی، ۱۳۵۰: ۹۱؛ نصیری، ۱۳۷۴: ۱۴۰).

در کنار این عوامل، گرانی مواد اولیه و افزایش دستمزد مزید بر علت شد و در این دوران از تعداد دارهای قالی کاست؛ ولی در اواخر جنگ و پس از آن به واسطه بازار داخلی خوبی که پیش آمده بود عده‌ای از کارگاه‌ها موفق شدند تعدادی قالی مرغوب به بازار بفرستند (به‌آذین، ۲۵۳۶: ۱۳۳). به این ترتیب، صنعت قالی‌بافی در اصفهان نابود نشد؛ اما باز میزان تولید آن از یک‌سوم رقم پیش از جنگ تجاوز نکرد. این وضع در دوران پس از پایان جنگ نیز چندان بهبودی نیافت.

نتیجه

قالی‌بافی شهر اصفهان پس از دوران صفویه دچار افول شد و این روند در دوره قاجار وضعیت نابسامان‌تری به خود گرفت. در این دوره تولید فرش به لحاظ کمی افزایش یافته بود؛ اما کیفیت فرش بافته شده تنزل یافت. در این دوره و به‌ویژه پس از پایان جنگ جهانی اول، برای فرش اصفهان بازار مناسبی به وجود آمده بود؛ بنابراین توجه افراد گوناگونی که گاه در این حوزه غیرحرفه‌ای و کم‌اطلاع بودند نیز به سوی تولید و تجارت فرش جلب شد. بازرگانان و سوداگران فرش به طمع سود بیشتر به بافتن فرش‌هایی روی آوردند که در آن اصول حاکم بر فرش‌های اصیل ایرانی لحاظ نشده بود. استفاده از رنگ‌های جوهری و شیوه‌های بافت غیراصولی از مسائل مشکل‌ساز فرش‌های این دوره

در دی‌ماه همان سال نیز یک شعبه نقاشی زیر نظر عیسی بهادری، استاد مشهور مینیاتور و یکی از نقاشان برجسته نقشه قالی، تشکیل شد و هفت هنرآموز در سه رشته طبیعت و مینیاتور و نقشه فرش به فراگیری نقاشی مشغول شدند. برای هنرآموزان رشته نقاشی یادگیری زبان فرانسه و برای رشته‌های فلزکاری و درودگری زبان آلمانی الزامی بود. با گسترش هنرستان نیاز به محلی بزرگ‌تر احساس شد؛ بنابراین در سال ۱۳۱۶ ش/ ۱۹۳۷ م، اداره پیشه و هنر به ریاست کاظم سیاح در اصفهان تشکیل شد و تصمیم گرفته شد برای ایجاد هنرستان زمینی خریداری کنند. با کمک قاسم صوراسرافیل، حاکم اصفهان، قطعه زمینی به مساحت ۲۴ هزار مترمربع در کنار ساحل زاینده‌رود خریداری شد و با نقشه عیسی بهادری و همکاری مهندسان آلمانی ساخته شد (روزنامه اخگر، ش ۱۵۹۲، ۲۲ دی‌ماه ۱۳۱۹: ۱).

هنرهایی که در آن آموزش داده می‌شد عبارت بودند از: نقاشی، مینیاتور، تذهیب و نقشه فرش. نقشه فرش زیر نظر عیسی بهادری بود و نقاشی طبیعت (رنگ و روغن) با مربی‌گری نورمحمد معیری آموزش داده می‌شد. در سال‌های ۱۳۱۸ و ۱۳۱۹ ش/ ۱۹۳۹ و ۱۹۴۰ م از آثار این هنرمندان نمایشگاهی در پایتخت تشکیل شد که توجه تماشاگران بسیاری را جلب کرد (آگاهی‌نامه، ۲۵۳۵: ۵۱ و ۵۲؛ کلباسی، ۱۳۵۳: ۱۱۳).

با وقوع جنگ جهانی دوم و سقوط دولت پهلوی اول، از دو نظر به قالی‌بافی اصفهان لطمه بسیار شدیدی وارد شد: یکی اینکه به‌واسطه جنگ، بازارهای اروپا روی این صنعت بسته شدند و دیگری آنکه با گران‌شدن مواد اولیه قالی، مانند رنگ و پشم، باز عده‌ای از صنعتگران و بازرگانان سودجو

بود. با شروع دوره پهلوی اول، با وجود اقدامات مختصری که در اواخر دوره قاجار انجام گرفته بود، مشکلات مزبور همچنان برجای ماند.

در دوره پهلوی اول حکومت اصفهان با تهیه آمارهایی از کارگاه‌ها و کارخانه‌های فرش، برای شناخت دقیق‌تر مشکلات صنعت فرش شهر تلاش کرد. اقدامات دیگری نیز نظیر برخورد با رنگرزان جوهری و تهیه آیین‌نامه بهداشتی برای رسیدگی به وضعیت غیربهداشتی کارگاه‌ها صورت گرفت. از دیگر مشکلات اصلی صنعت فرش اصفهان در این دوره، کم‌اطلاعی یا حتی بی‌اطلاعی تولیدکنندگان و بافندگان قالی شهر از اصول اصلی فرش سنتی ایران بود؛ بنابراین حکومت اصفهان تلاش کرد با ایجاد هنرستان عالی اصفهان و استخدام استادان و هنرمندان در آنجا در این رشته هنرآموزانی پرورش دهد.

با وجود این، تلاش‌هایی که برای بهبود وضع قالی شهر اصفهان انجام می‌گرفت با برنامه‌ریزی‌های دقیق و درازمدت همراه نبود؛ بنابراین چندان ثمربخش نشد و در نتیجه، مشکلات برجای ماند. تلاش‌هایی مانند ایجاد هنرستان عالی اصفهان هم این مشکلات را حل نکرد؛ چنانکه آن دوران شکوفایی و اعتلای هنر و صنعت فرش ایران که در دوره پایتختی شهر اصفهان، در قرون دهم و یازدهم قمری، وجود داشت به صنعت قالی‌بافی اصفهان بازنگشت.

پی‌نوشت

۱. در سال ۱۳۱۷ش، صادرکنندگان فرش به استفاده از مقیاس متر در تعیین اندازه فرش‌ها ملزم شدند (ساکما، ۲۹۱۰۰۲۱۴۰). در اوایل دوران پهلوی، گز در حکم واحد اندازه‌گیری طول در برخی از شهرها معادل یک ذرع حساب می‌شد (دیانت، ۱۳۶۷: ۳۹۹/۱).

کتابنامه

الف. اسناد

اسناد منتشر نشده

. اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما).

– ۲۹۱۰۰۱۴۹۷

– ۱۰۰۰۲۸۹۸

– ۲۹۱۰۰۲۱۴۰

– ۲۹۱۰۰۱۴۴۷

– ۲۹۱۰۰۲۰۸۸

– ۲۹۱۰۰۲۳۶۲

– ۲۹۷۰۴۱۰۴۲

اسناد منتشر شده

. مرکز اسناد ریاست جمهوری، به کوشش علی‌اکبر علی‌اکبری بایگی، (۱۳۸۱)، اسنادی از صنعت فرش ایران (۱۳۵۷-۱۲۹۲هـ.ش)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

-----، (۱۳۸۳): گزارش‌های ایالات

و ولایات از اوضاع اجتماعی اقتصادی ایران در سال ۱۳۱۰هـ.ش، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

ب. کتاب‌ها

. آذرپاد، حسن و فضل‌الله حشمتی رضوی، (۱۳۷۲)،

فرشنامه ایران، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

. آگاهی‌نامه، (۲۵۳۵)، بی‌جا: مرکز اسناد و آمار فرهنگ و هنر اصفهان.

. اشراقی، فیروز، (۱۳۷۸)، اصفهان از دید سیاحان

خارجی، بی‌جا: آتروپات.

. بلانت، ویلفرد، (۱۳۸۴)، اصفهان مروارید ایران،

- ترجمه محمدعلی موسوی فریدنی، به کوشش محمدعلی احمدی نژاد، اصفهان: خاک.
- . به آذین، م.ا، (۲۵۳۵)، قالی ایران، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- . دیانت، ابوالحسن، (۱۳۶۷)، فرهنگ تاریخی سنجش ها و ارزش‌ها، تبریز: نیما.
- . روزن، کتس مادفون، (۱۳۶۹)، سفری به دور ایران، ترجمه علی محمد عبادی، تهران: پاژنگ.
- . شفقی، سیروس، (۱۳۸۵)، بازار بزرگ اصفهان، اصفهان: مرکز اصفهان‌شناسی و خانه ملل.
- . صیرفیان، محمد، (بی‌تا)، فرش صیرفیان، اصفهان: فروغ دانش.
- . -----، (۱۳۹۳)، نقد عمر، بی‌جا: بی‌نا.
- . عابدی، حسن، (۱۳۳۴)، اصفهان از لحاظ اجتماعی و اقتصادی، بی‌جا: بی‌نا.
- . عیسوی، چارلز، (۱۳۶۳)، تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره.
- . کرزن، جورج ناتانیل، (۱۳۸۰)، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- . کلباسی، علی، (۱۳۵۳)، اقتصاد شهر اصفهان، بی‌جا: دانشگاه تهران.
- . نصیری محمدجواد، (۱۳۷۴)، سیری در هنر قالی بافی ایران، تهران: بی‌نا.
- . ورزی، منصور، (۱۳۵۰)، هنر و صنعت قالی در ایران، تهران: رز.

ج. روزنامه‌ها

- . روزنامه اخگر، ش ۱۵۹۲، ۲۲ دی ماه ۱۳۱۹.